



## پژوهش های در دست اجرا: تصحیح اعیان الشیعه

پدیدآورده (ها) : علوی، سید رسول

فلسفه و کلام :: کتاب شیعه :: پاییز و زمستان 1389 - شماره 2

از 353 تا 378

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/940549>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 01/04/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

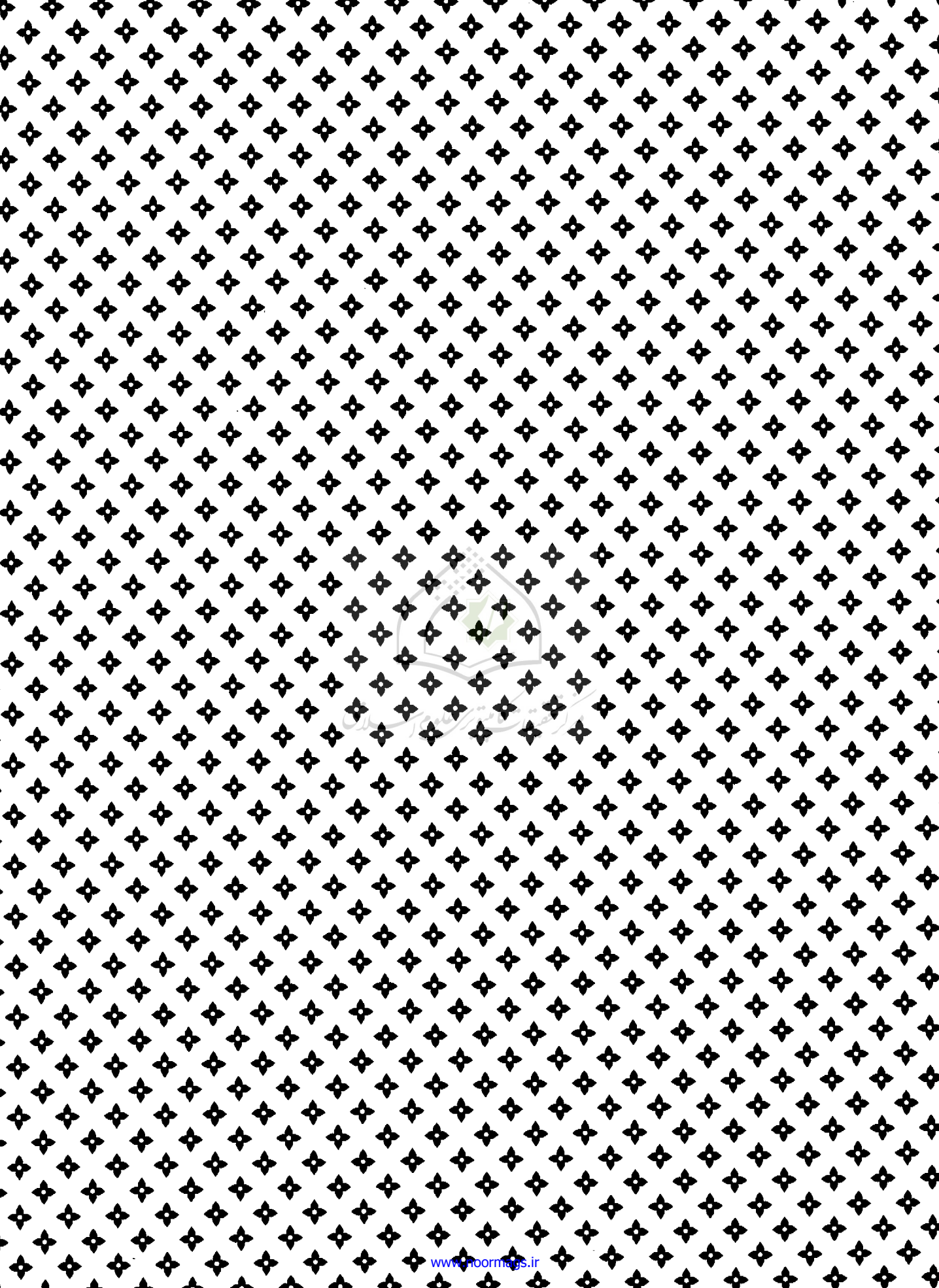


پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)



# پژوهش‌های دردست اجرا



# تصحیح اعیان الشیعه

سید مسعود علوی

تصحیح اعیان الشیعه

يقوم الكاتب في مقالته بالتعريف بالموسوعة الرجالية أعيان الشيعة تأليف السيد محسن الأمين العاملي، وذلك بمناسبة قيام مؤسسة تراث الشيعة بوضع مشروع تصحيح وتحقيق هذه الموسوعة ضمن برنامجها. وبعد مقدمة قصيرة عن أنواع كتب السير وترجمة المختصرة للسيد محسن الأمين، يورد الكاتب في مقاله نص المقدمة الأولى للكتاب التي تتضمن ١٤ فقرة تعريفية بالكتاب. ثم يستعرض جهود السيد محسن الأمين لتكميل تدوين ونشر هذه الموسوعة وتأليف مستدركات أعيان الشيعة. ويبيّن الكاتب ضرورة إعادة النظر في الطبقات الأخيرة لهذا الكتاب استناداً إلى المبادئ الأربعة عشر التي ذكرها مؤلف الكتاب، ويؤشر خلال مقاله إلى تسعة عشر مشكلة تواجه هذه الطبقات، خصوصاً طبعة المجلدات العشر.

چکیده: نگارنده در این گفتار، ابتدا زیست نامه‌ها را تقسیم موضوعی می‌کند، سپس شرح حال سید محسن امین و انگیزه و شیوه تألیف اعیان الشیعه را براساس مقدمه جلد اول این کتاب می‌آورد و استدارکات سید محسن امین، فرزند مؤلف بر کتاب را یادآوری می‌شود. آنگاه توضیح در مورد چاپ‌های مختلف اعیان الشیعه و اشکالات موجود در آنها، نیاز به بازنگری مجدد، و کارهایی که در چاپ جدید در دست انجام است، بیان می‌دارد. کلید واژه: امین عاملی، سید محسن، امین عاملی، سید محسن؛ اعیان الشیعه؛ تراجم - شیعه؛

کتاب شیعه (۲)

سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان [۱۳۸۹]

[پژوهش‌های در دست اجرا]  
تصحیح اعیان الشیعه

تاریخ علم و دانش و برگ برگ زرین تاریخ تشیع گواهی است روشن از مشقت و تلاش بی پایان و مستمر عالمان و صاحبان فکر و فضیلت که در ترویج اندیشه و فرهنگ اصیل اسلامی کوشیدند؛ فرهنگی که با زبان اهل بیت عصمت علیهم السلام از متن قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه و آله استخراج گردیده است؛ آنان که در تنگنای حکومت‌های جور و ستم دشمنان اهل بیت، و با نبود امکانات کافی و با تحمل رنج‌های فراوان در سفرهای طولانی، به کسب علم و فضیلت مبادرت نمودند و با زبان و قلم علوم و فضایل اخلاقی را به نسل‌های پس از خود رساندند و لحظه‌ای از سعی و تلاش باز نایستادند.

معرفی و بیان سرگذشت زندگانی این مردان بزرگ علاوه بر آنکه تقدیر و سپاسی است از زحمات آنها، تلاشی خواهد بود برای زنده نگه داشتن یاد، آثار و برکات وجودی آنان، چنان‌که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «من ورّخ مومنأ فکاتما احیاه» ضمن آنکه مطالعه شیوه زندگی بزرگان بهترین الگوبرای جوانان امروز است تا از زندگانی و سیره علمی آنان درس فراگیرند چنان‌که قرآن مجید نیز در آیات مختلف به آن تأکید فرموده است:

۱. کشف الظنون، ج ۱، ص ۲.

﴿قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة الذین من قبلکم﴾ (روم / ۴۲)، همین مضمون در آل عمران / ۱۳۷، نمل / ۶۹، روم / ۴.

۲. الزافی بالوفیات، ج ۱، ص ۲۷.

قاضی ابوبکر احمد ارجانی این چنین سروده:

اذا عرف الانسان اخبار من مضی توهّمته قد عاش فی اول الدهر

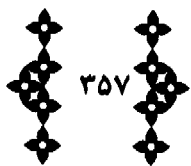
بدین منظور تاریخ نگاران و سیره نویسان آثار زیادی را برای نگارش پیشینیان تألیف نموده‌اند. و مقصود هریک به فراخور اثری که خلق کرده‌اند، متفاوت است، ولی هیچ‌انگیزه‌ای برای نویسنده و خواننده مقدس‌تر از انگیزه عبرت‌گیری و درس‌آموزی و اسوه‌پذیری نیست.

﴿لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب﴾ (یوسف، ۱۱۱)

مجموع آثار و تألیفاتی را که در شرح حال شخصیت‌های علمی، اجتماعی، دینی، تاریخی و... به چاپ رسیده، می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

۱. شرح‌هایی که تنها به زندگانی یک شخصیت پرداخته‌اند و به «تراجم تک نگاری» معروف‌اند، مانند: السید هبة الدین الشهرستانی؛
۲. کتاب‌هایی که فقط شرح حال شخصیت‌های صدر اسلام را مورد توجه قرار داده‌اند، مانند: الاستیعاب فی اسماء الاصحاب، اسد الغابة؛
۳. تراجمی نیز وجود دارند که مختص مذهب و یا فرقه خاصی هستند، مانند: طبقات الشافعیه، علماء الحنابلة؛





۴. عده‌ای از نویسندگان به جمع آوری شرح حال شخصیت‌های يك منطقه خاص پرداخته‌اند، مانند: تاریخ مدینه دمشق، شرح حال رجال ایران؛

۵. نوع دیگری از تراجم نیز مربوط به رشته، تخصص و یا حرفه‌ای خاص است، مانند: معجم الشعراء، معجم الأدباء؛

۶. بعضی از شرح حال‌ها، زندگانی عالمان زمان خاصی را یادآور شده‌اند، مانند: سلك الدررفی اعیان القرن الثانی عشر، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر؛

۷. برخی از کتب تراجم به طبقات فرقه خاصی اختصاص دارد، مانند: طبقات الصوفیة، طبقات الفقهاء؛

۸. برخی از نویسندگان نیز کتاب خود را به شرح حال ترکیبی از موارد فوق اختصاص داده‌اند، مثلاً به شرح حال عالمان رشته‌ای خاص، در منطقه‌ای محدود پرداخته‌اند، مانند: النجفیات که در ذکرا دیبان نجف اشرف می‌باشد.<sup>۲</sup>

۹. شماری از کتاب‌های تراجم که به «تراجم عمومی» معروف‌اند صرفاً به شرح حال عالمان، بدون در نظر گرفتن محدودیتی خاص پرداخته‌اند، مانند: سیر اعلام النبلاء، مجمع الرجال.

یکی از آثار مهم، ارزشمند و گسترده که در شرح حال شخصیت‌ها و رجال شیعه به رشته تحریر درآمده، کتاب اعیان الشیعه اثر «مرحوم آیت الله سید محسن امین عاملی» است که به حق دائرة المعارف جامع است که به معرفی شخصیت‌های برجسته شیعه در رشته‌ها و فنون مختلف، از کشورها و شهرهای گوناگون که قبل از دوران حیات مؤلف، می‌زیسته‌اند، می‌پردازد.

با توجه به اهمیت، جامعیت و جایگاه این کتاب، مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، با تصحیح، تحقیق و چاپی وزین در تلاش است این اثر ارزشمند را احیا نماید. مقاله حاضر رهیافتی است به تحقیق و تصحیح موسوعه اعیان الشیعه در مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.

### نگاهی گذرا به زندگانی سید محسن امین

علامه سید محسن بن سید عبدالکریم امین عاملی در سال ۱۲۸۴ ق در روستای شقراء جبل عامل در خانواده‌ای اهل علم و دانش و از محبین خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام دیده به جهان گشود و تا سال ۱۳۰۸ ق در دیار جبل عامل به تحصیل پرداخت.

در آن سال به همراه شیخ حسین مفید و تعدادی از جوانان جویای علم، به حوزه علمیه نجف اشرف مهاجرت نمود و از محضر بزرگانی همچون سید احمد کربلایی، شیخ محمد باقر نعیم آبادی، سید علی عاملی، شیخ الشریعه اصفهانی بهره‌مند شد و دروس سطح را به پایان رساند. سپس در درس خارج اصول آخوند خراسانی، فقه حاج آقا رضا همدانی و شیخ محمد طه نجف



۳. سید محسن امین در مقدمه اعیان الشیعه به اقسام مختلفی از شرح حال‌هایی که تاکنون به نگارش درآمده، اشاره کرده است.

شرکت کرد و مدارج علمی خود را تکمیل نمود.

دراواخر جمادی الآخره سال ۱۳۱۹ به دلیل نامه های فراوانی که شیعیان دمشق برای او فرستادند، نجف اشرف را ترك گفت و با هدف خدمت به مردم به سوی دمشق رهسپار شد و در آن جا خدمات فراوانی ارائه داد. احداث مدارس ویژه دختران و پسران، وقف زمین و ساختمان هایی برای اهداف آموزشی و چاپ و انتشار کتابهای ویژه آموزشگاه ها، بخشی از خدمات ارزشمند وی برای زدودن زنگار ناآگاهی و جهل از جامعه اسلامی به شمار می آید.

وی به عنوان مرجع مؤمنان منطقه، منادی وحدت شیعه و سنی بود و با رهبری و هدایت نیروهای استقلال طلبی که در مقابل اشغالگری فرانسویان قیام کرده بودند، به مبارزات سیاسی علیه ظلم و جور پرداخت.

سرانجام پس از سالها تلاش در رجب سال ۱۳۷۱ دیده از جهان فرو بست. پیکر پاکش در دستان هزاران تن از مریدان وی تشیع و در زینبیه دمشق به خاک سپرده شد.

از ایشان علاوه بر تربیت شاگردان و دانشمندان فرزانه، حدود ۱۰۰ جلد کتاب و رساله برجای مانده است که مهمترین و بزرگترین آنها «اعیان الشیعه» در شرح حال بزرگان شیعه می باشد. کتابهای تاریخ جبل عامل، البحر الزخار فی شرح احادیث الاثمه اطهار، حذف الفضول عن علم الاصول، المجالس السنیه فی مناقب ومصائب العتره النبویه و لواعج الاشجان از دیگر آثار وی است.

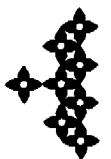
#### اعیان الشیعه

در میان آثار متنوع و متعددی که از علامه سید محسن امین به یادگار مانده، اعیان الشیعه بیش از هر کتابی یاد آور نام او و بهتراز هر تألیفی نشانگر وسعت و گستره معلومات این عالم شیعی است، و یکی از مهمترین آثار وی به شمار می آید.

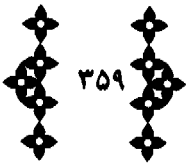
این دانشنامه بزرگ که با هدف شناساندن هویت فرهنگی شیعه و یادآوری نقش امامیه در اعتلای تمدن اسلامی تدوین شده است، در بردارنده شرح حال همه بزرگان شیعه دوازده امامی اعم از صحابه، تابعین، تابعین تابعین و اهالی هر علم و فنی می باشد به طوری که از راویان و ناقلان حدیث، مفسران، فقیهان، حکیمان، متکلمان، واعظان، مورخان، ادیبان، شاعران، لغویون و منطقیون و صاحبان دیگر علوم و فنون تا پادشاهان و وزیران، نام همگی در این کتاب ذکر شده و به فراخور اطلاعات به دست آمده، ثبت و در مورد آنها مطالبی نگارش یافته است.<sup>۴</sup>

در ابتدای کتاب «خطبه الکتاب» آمده است که سید در آن به کلیاتی در مورد شرح حال نگاری و کتابهایی که در این باب نوشته شده، پرداخته است.

۴. در مورد اهمیت، جایگاه و گستردگی اعیان الشیعه و مؤلف آن مطالب فراوانی نوشته شده و تقریظهای متعددی از اندیشمندان و پژوهشگران عرب زبان سنی و شیعه به نگارش در آمده است که تعدادی از آنان در ضمن مجلدات اعیان الشیعه به ویژه در شرح حال مؤلف در همین کتاب ذکر شده است.







مقدمه اول که بعد از خطبه آمده، به روش کار مؤلف در اعیان پرداخته و شیوه تحقیق را در ۱۴ بند متذکر شده است.

مقدمه دوم در دوازده بحث، به مطالبی کلامی و تاریخی راجع به تشیع و شیعه اختصاص یافته است.

مؤلف محترم در مقدمه سوم، ۳۹۳ عنوان از منابع و مصادر تحقیق اعیان را شناسانده است. سپس به شرح حال و ذکر سیره حضرات چهارده معصوم پرداخته و به تفکیک و تفصیل، زندگی نامه هر یک از آنان را بیان نموده است، در ادامه به شرح حال اعیان و بزرگان شیعه مبادرت ورزیده و شرح حال ۱۱۷۳۹ نفر از نامداران شیعه را ذکر نموده است.<sup>۵</sup> در انتها نیز شرح حال خود را آورده است.<sup>۶</sup>

چنانکه گفتیم مؤلف در مقدمه اول کتاب به روش کار خود در اعیان پرداخته و ۱۴ بند را در اینجا یادآوری کرده است. با توجه به اهمیتی که شناخت روش تحقیق در قضاوت در مورد یک اثر خواهد داشت لازم دیدیم در اینجا ترجمه این مقدمه را بدون هیچ دخل و تصرفی بیاوریم تا نکاتی که در ادامه مقاله، ذکر خواهیم نمود، آشکارتر گردد.

ترجمه مقدمه اول کتاب اعیان الشیعه:

مقدمه اول: درباره بیان روش ما در این کتاب که شامل چند مطلب می‌گردد:

۱. ما در این کتاب به شرح احوال شیعیان دوازده امامی اکتفا می‌کنیم و از ذکر غیر آنها خودداری می‌نماییم مگر به ندرت و یا در مواردی که احوالشان برای ما معلوم نباشد. اما از یاران پیغمبر ﷺ تمام کسانی را که شیخ طوسی از آنها در کتاب رجال خود نام برده است، اگرچه از شرط کتاب ما هم خارج باشند با بیان و اشاره به مطلب، ذکر نموده‌ایم و این بدان جهت است که هیچ کسی را که علمای شیعه از او نام برده‌اند، از قلم نیندازیم.
۲. به شرح حال هیچ یک از معاصرانی که در قید حیات می‌باشند، نمی‌پردازیم.
۳. تا آنجا که ممکن است حقیقت را می‌جوییم و از آنچه که با طبع و سلیقه خوانندگان سازگار نباشد، دوری می‌گزینیم. با وجود این، می‌دانیم که جمع میان این دو امر بسیار دشوار است و شرح حال کسانی که خانواده‌هایشان در قید حیات می‌باشند، بسیار سخت است و گفته شده است: «کسی که به تألیف کتابی بپردازد هدف تیر ملامت قرار می‌گیرد»<sup>۷</sup>. مخصوصاً تألیف کتاب درباره شرح احوال، برای کسی که جوایب حقیقت باشد، کار آسانی نیست. بنابراین ممکن است خوانندگان به مطلبی برخورد نمایند که برخلاف سلیقه آنها باشد، لذا از آنان پوزش می‌خواهیم، زیرا هیچگونه نیت بدی در کار نبوده است.
۴. هرگاه در ضمن گفته‌هایمان، یکی از بزرگان را به جهت نقل از او یا از کتاب او، یا به خاطر پاره‌ای از مناسبات نام ببریم، مانند این که گفته شود: فلان شخص، شاگرد او بوده یا او شاگرد فلانی بوده یا او از کسی روایت کرده یا کسی از او روایت نموده است

۷. ان من آلف فقد استهدف.





ویا غیراین‌ها، در همه موارد مذکور، اورا بدون القاب و اوصاف ذکر می‌نماییم و بیان القاب و اوصاف اورا به محل شرح حال خود او موقوف می‌نماییم و این به خاطر پرهیز از طولانی شدن بی سبب می‌باشد؛ بنابراین، نباید گمان رود که این امر، به کوتاهی ما در حق او باز می‌گردد.

۵. نامها را به ترتیب حروف الفبا مطابق حرف اول و دوم و حروف بعد از آن و بر طبق اسامی پدران و نیاکان و القاب و اوصاف ذکر می‌کنیم؛ بنابراین، آدم بن اسحاق را قبل از آدم بن الحسین و ابان بن ارقم الطائی را قبل از ابان بن ارقم العنزى می‌آوریم و به همین ترتیب.

۶. کسی که دارای نام مرکب باشد، اورا به اعتبار جزء اول نامش بیان می‌کنیم و جزء دوم نامش را به منزله نام پدر قرار می‌دهیم. مثلاً محمد باقر و محمد بن باقر در یک ردیف قرار می‌گیرند و همچنین محمد مهدی با محمد بن مهدی و محمد حسن با محمد بن حسن و محمد علی با محمد بن علی، مساوی می‌باشند.

۷. کسی که به دو نام شناخته شده است، مانند باقر و محمد باقر، جواد و محمد جواد، مهدی و محمد مهدی و غیر اینها، در شرح حال او به هر یک از این دو اسم که خواستیم او را نام ببریم، مخیریم. همچنین، کسی که با کنیه یا لقب و یا صفتی، شهرت یافته است، شرح حال او را با نامش آغاز می‌کنیم و در دیگر موارد، بدان اشاره می‌کنیم.

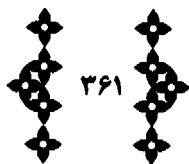
۸. در شرح حال کسی که به واسطه نسبت به یکی از نیاکانش شهرت یافته است، نام محذوف وی را می‌آوریم و همان گونه که مشهور است به او اشاره می‌کنیم.

۹. در صورت آگاهی، ابتدا تاریخ ولادت، سپس تاریخ وفات، آنگاه رابطه خویشاوندی او را بیان خواهیم نمود.

پس از آن به بیان اقوال دانشمندان، درباره شخص مورد نظر و یا آنچه که ما قصد داریم در توصیف او بیاوریم، می‌پردازیم. سپس آنچه را که نگارندگان شرح احوال، درباره سیره و حالات او بیان داشته‌اند و یا خود ما درباره ایشان می‌دانیم، ذکر می‌کنیم و به همین ترتیب اگر به تشیع معروف نباشد، دلیلی را که بر تشیع وی دلالت دارد می‌آوریم، سپس به ترتیب از تألیفات و نظم و نشر او یاد می‌کنیم. البته تفصیل مذکور در شرح احوال کسانی رعایت می‌گردد که شرح احوال آنان طولانی و دربرگیرنده موارد فوق یا بعضی از آنها باشد نه در شرح احوال کوتاه.

۱۰. کسی که دارای اشعار فراوانی است به خصوص اگر اشعار وی جمع آوری، چاپ و منتشر نشده باشند، از طولانی نمودن شرح حالش با آوردن مقدار کافی از اشعار او دست باز نمی‌داریم. همچنین کسی که حال اقتضا کند تا با نقل چیزی از آثار او اعم از نثر و استدلال یا آنچه که در تألیفاتش ذکر کرده است و نقل نمودن آن مناسب است با وجود این که شرح حال او به درازا می‌کشد، سخن را در شرح حال او به درازا می‌کشانیم، زیرا تفصیل در مورد تاریخ و شرح احوال بهتر از اختصار است.





۱۱. شرح حالی که ایجاب کند تا محاکمه یا اموری از گذرگاه حوادث و غیره و یا امثال آن، در آن بیان گردد، در حد توان و تا آنجا که مجال باشد و فرصت یاری کند، از بیان آن توقف نخواهیم کرد.

۱۲. هرگاه کلمه «الفهرس» را آورده‌یم منظور از آن، کتاب فهرست اسامی مؤلفین امامیه تألیف شیخ ابوجعفر محمد بن حسن طوسی می‌باشد و اگر کلمه «رجال الشیخ» را عنوان کردیم، مراد از آن، کتاب رجال شیخ مذکور است، که آن کتاب را بر چند باب مرتب نموده است: ابتدا کسانی را که از پیغمبر ﷺ روایت کرده‌اند، سپس آنان که از هر یک از ائمه نقل کرده‌اند، آنگاه کسانی را که از هیچ‌کدام از امامان روایت نکرده‌اند، نام برده است. و چنانچه کلمه «شیخ» را ذکر کردیم منظور، مؤلف کتاب الفهرست و کتاب رجال، یعنی شیخ طوسی می‌باشد.

۱۳. همانطور که مشهور و در جای خود ذکر شده است، عادت نویسندگان کتب رجال بر این بوده که به خاطر اختصار، نام کتابها و ابواب آن و پاره‌ای از اسامی مؤلفین را به رمز و اشاره بیان دارند ولی ما به جهت روشن ساختن و آسان نمودن بر خوانندگان، اسامی آنچه که آنان با رمز آورده‌اند را با صراحت ذکر خواهیم نمود.

۱۴. عادت دیگر نویسندگان کتب شرح احوال این بوده که کنیه‌ها، ألقاب و آن چه را که با کلمه این یا بنت، و یا امثال آن شروع می‌شود و همچنین نامهای زنان را در بابهای جداگانه بیاورند، ولی ما این روش را در پیش نگرفته‌ایم، بلکه همه آنها را نام و لقب به ترتیب حروف الفباء، در بابهای جداگانه بیان کرده‌ایم. مثلاً الأحمری را در حرف الف، البلالی را در حرف باء، تقی را در حرف تا، الثمالی را در حرف ثاء، الجامورانی را در حرف جیم، الصمیری را در حرف صاد، والمسعودی را در حرف میم، به همین ترتیب ذکر نموده‌ایم. همچنین الأحمری را پیش از الأسدی، البقباق را قبل از البلالی، الصولی را قبل از الصیمری، ماجیلویه را پیش از مسعودی و نخعی را قبل از نوفلی، و مابقی موارد را نیز به این ترتیب بیان داشته‌ایم.

به همین روش کنیه‌ها و آنچه را که با کلمه این یا آخ یا آخت یا أم آغاز می‌شود، در حرف الف ذکر کرده‌ایم و در ترتیب آن، حروف اول اسمی را که بعد از آن قرار دارد، رعایت نموده‌ایم. مثلاً ابواب ابراهیم را قبل از ابواسماعیل، ابواب ابراهیم الأسدی را پیش از ابواب ابراهیم البصیری، ابوالولاد را قبل از ابوالولید، أم البراء را پیش از أم حبیبه، ابن ابی الجعد را قبل از ابن ابی جید و ابن آخی شهاب را پیش از ابن آخی ظاهر، به همین ترتیب آورده‌ایم و آنچه با کلمه بنت شروع شده است را در حرف باء ذکر نموده‌ایم. و با هر کنیه یا لقب و یا آنچه به کلمه این یا بنت آغاز شده است، نام شخص را (اگر بردانیم) بیان کرده‌ایم و شرح حال او را با نام خودش در جای خود نگاشته‌ایم. ولی در صورتی که نام شخص مورد نظر برای ما معلوم نبوده باشد، شرح حال او را با کنیه یا لقب یا ابن فلان و یا بنت فلان، عنوان می‌کنیم. مثلاً احنف را در باب



الف بیان می‌داریم و می‌گوییم: «نام اوصخر فرزند قیس یا ضحاک است» و بدین امر اکتفا می‌کنیم، لیکن شرح حال او را در زیر کلمه صخر می‌آوریم و در کلمه ضحاک به آن اشاره می‌کنیم، یا برعکس شرح حالش را ذیل کلمه «ضحاک» عنوان می‌کنیم و در کلمه صخر، بدان اشاره می‌نماییم. همچنین ابوالأسود دثلی را در باب الف ذکر می‌کنیم و می‌گوییم: «نام او ظالم بن عمرو است» و با کلمه ظالم، به شرح حال او می‌پردازیم. بدین ترتیب ابن ابی عقیل را در باب الف بیان می‌کنیم و می‌گوییم: «نامش حسن است» و شرح حال او را در زیر کلمه المحسن می‌نگاریم و نوفلی را در باب نون آورده و می‌گوییم: «نامش حسین می‌باشد» و در زیر کلمه الحسین، به تحریر شرح حال او می‌پردازیم. زنان را نیز در کنار مردان به همین منوال بیان می‌داریم. ۱۵. آنچه را که در جلد‌های قبل، از قلم انداخته‌ایم، با وجود این که لازم بود که در يك جزء یا در اجزاء جداگانه به نام «المستدرک» نگاشته شود، ولی با توجه به این که گرفتارهای روزگار و پیش آمده‌های آن را امانت نمی‌باشد، جهت نوشتن مطالب از قلم افتاده، در اواخر اجزاء بعد شتاب نمودیم.<sup>۸</sup>

۸. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱۶-۱۷.

استاد سید حسن امین، فرزند نویسنده:

هر چند کتاب اعیان الشیعه به قلم علامه سید محسن امین به نگارش درآمده ولی بی تردید در سامان یافتن این اثر گران سنگ، فرزند محقق و دانشمند او «استاد سید حسن امین» تلاش فراوانی داشته است.

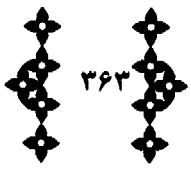
اگر تلاش‌های چندین ساله سید حسن امین نبود، حداقل نیمی از مطالب این دائرة المعارف در دسترس قرار نمی‌گرفت و پژوهشگران و محققان از آن بی بهره می‌شدند.

وی علاوه بر نقش مهم و مؤثری که در جمع‌آوری، تنقیح مطالب و چاپ و نشر این کتاب داشته، در تدوین مطالب آن نیز به ویژه بعد از وفات پدر، دخالت داشته است. او در شرح حال خویش چنین می‌نویسد:

الفت وفاة والدي علي عبتاً ثقیلاً فقد وجدت أمامي موسوعة اعيان الشیعة وقد وصل فيها الوالد إلى نهاية حرف السين في خمسة وثلاثين جزءاً وترك بقية المواد مسودات أكثرها مشوش، وبعض التراجم لم يكتمل، وبعضها لم يكتب اصلاً فعكفت على تنسيق المسودات وضممت بعضها الى بعض، الى اكمال مالم يكتمل من الترجمات وكتابة مالم يكتب منها؛

وفات پدرم مسؤولیت سنگینی را بردوش من گذاشت. در مقابلم موسوعه اعیان الشیعه بود که پدرتا زمان وفاتش، تا پایان حرف سین (جلد ۳۵ چاپ قدیم) را آماده نموده بود. ولی بقیه ماده‌ها به صورت دست نوشته و اکثر آنها بهم ریخته باقی مانده بود. برخی از شرح حالها کامل نبود و برخی نیز اصلاً نوشته نشده بود. با تلاش





و کوشش توانستم دست نوشته های پدر را جمع آوری و برخی از آنها را با برخی دیگر مخلوط کنم تا نواقص را حل نمایم و آنچه را پدر ننوشته بود، به نگارش درآورم.

اوبه هنگام مرگ پدر ۴۵ سال از عمرش می گذشت و پس از پایان کتاب ۶۵ سال داشت. تنها هدف سید حسن امین در این دودهمه به نتیجه رساندن زحمات پدر بود و هرگز به تألیف مستدرکی به طور مستقل نمی اندیشید.

سید حسن در خاطراتش می نویسد: «در خلال مطالعاتم به مطالب بسیار قیمتی و مهم در مورد افرادی که شرح حالشان در اعیان آمده بر می خوردم و دائماً حسرت داشتم که ای کاش قبل از چاپ کتاب، این مطلب را می دیدم و به مطالب پدر می افزودم».

این نکته سبب شد تا سید حسن امین «مستدرکات اعیان الشیعه» را تألیف و به مرور زمان به چاپ رساند. تا هنگام وفات سید حسن ۱۱ جلد از این مستدرکات چاپ و به زیور طبع آراسته شد.

### چاپهای اعیان الشیعه

شروع چاپ این کتاب چنانچه شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه فرموده اند، سال ۱۳۵۴ قمری است و تاکنون به صورتهای متعددی به چاپ رسید است. چاپهای اعیان را به چند دسته می توان تقسیم کرد:

۱. مجلداتی که در زمان نویسنده به چاپ رسید؛ یعنی تا جلد ۳۵ و تا پایان حرف سین. چاپ مجدد برخی از آنها در زمان حیات مؤلف و زیر نظر ایشان و ظاهراً تا جلد ۵ در زمان مؤلف تجدید چاپ شده است. این مجلدات دارای اصلاحات و تغییراتی است لذا تفاوتهایی بین چاپ اول و دوم مشاهده می شود که قطعاً بر اساس نظر نگارنده انجام شده است.
۲. همان طور که پیشتر بیان شد، جلد ۳۶ تا جلد ۵۵ بعد از وفات نویسنده و تحت نظر فرزندش، استاد سید حسن امین چاپ شده است.

۳. سید حسن امین مجدد از جلد ۱ تا ۵۵ را به چاپ رساند. در این نوبت نیز تا جلد ۳۵ که در زمان پدر به چاپ رسیده بود، تغییراتی داده و مطالبی را حذف و اضافه نموده است. این چاپ با جلد های سبزرنگ و در قطع وزیری و برخی مجلدات به صورت رحلی به طبع رسیده است.

۴. در سال ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م برای نخستین بار اعیان الشیعه توسط «انتشارات دارالتعارف للمطبوعات» در ده جلد، در بیروت منتشر شد. این چاپ زیر نظر مستقیم سید حسن امین انجام گرفت و تفاوت های فراوانی بین این چاپ و چاپ قبلی که آن نیز زیر نظر فرزند نویسنده انجام شده وجود دارد. این کتاب بارها در لبنان و ایران انتشار یافت. سید حسن در مقدمه کوتاهی که به عنوان (تقدیم هذه الطبعة) در ابتدای جلد اول آورده از آن به عنوان چاپ پنجم یاد می کند که با



۹. مستدرک، ج ۴، ص ۳۳۵.  
۱۰. کتاب ماه دین، شماره ۶۵، ص ۴۷.  
۱۱. «السید حسن الامین الذی طاولت حیاته حوالی القرن من الزمان» توفی عصر الاثنین فی ۱۴/۱۰/۲۰۰۲.  
(حسن الامین، رتاله وادیبا و مورخا، ص ۶۳).  
۱۲. الذریعه، ج ۲، ص ۲۴۸: اعیان الشیعه، الحاکی عن معناه هو الکتاب الجلیل بعد من حسنات العصر الحاضر شرع فی طبعه من سنة ۱۳۵۴ والی الان خرج عدة مجلدات ضخام. ترجمه من فضلته تعالی تسهیل اتمامه لغرضه العارضة الشهیر السید محسن الامین العاملی نزل دمشق الشام.

مشورت متخصصین و شخصیت‌های متعدد به شکل جدید درآمده است.

۵. اعیان الشیعه در سال ۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۸ م در ۱۵ جلد به چاپ رسید که در شناسنامه کتاب از آن به عنوان الطبعة الخامسة یاد شده است. در مقدمه این چاپ تحت عنوان «تقدیم هذه الطبعة» با امضای «حسن الامین»، چنین آمده است: «فكان من توفيق الله ان استطعنا أن نخرج اعيان الشيعة كاملاً ثم أن نبرزه اخيراً بأحسن حلة وأنصع ثوب<sup>۱۳</sup>»؛ (با عنایت و توفیق الهی موفق شدیم اعیان را به صورت کامل ارائه نماییم و اخیراً آن را به صورت زیبا و با کیفیتی مناسب چاپ نمودیم).

۱۳. اعیان الشیعه، چاپ ۱۵ جلدی، ج ۱، ص ۸.

در ادامه مقدمه به سه نکته اشاره می‌کند:

۱. برخی از تراجم و شرح حالها به صورت دست نویس بود و زندگی‌نامه افراد به طور کامل و وافی بررسی نشده بود که ما تا آنجا که امکان داشت، آنها را کامل کردیم.
۲. شرح حال برخی از افراد اصلاً نوشته نشده بود. پس ما شرح حال آنها را با ذکر مأخذ و مدرک به نگارش درآوردیم و فقط تعداد کمی از شرح حال‌ها نوشته نشده که خواننده در ضمن کتاب ملاحظه می‌کند.
۳. روش نویسنده در اعیان این بود که به شرح حال شخصیت‌های درقید حیات نپردازد. اما برخی از آنها در زمان تألیف کتاب زنده بوده و بعدها فوت کرده‌اند، لذا ما شرح حال آنها را نیز آوردیم، با ذکر این نکته که آن از مستدرکات ما بر کتاب است. هر چند در برخی موارد این اشارات در ضمن چاپ از قلم افتاده است.

در آخر می‌نویسد: کان هذا قبل أن اعزم علی اصدار (مستدرکات اعیان الشیعه) فی سلسلة مستقلة بلغت حتی الآن تسعة ملجديات<sup>۱۴</sup>.

۱۴. همان مدرک.

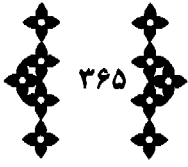
البته این اضافات قبل از آن بود که تصمیم بر تهیه کتاب مستقل «مستدرکات اعیان الشیعه» داشته باشیم. تاکنون ۹ جلد از این مستدرک چاپ شده است.

### نیاز به بازنگری

با وجود زحمات و مشقات فراوانی که مؤلف و بعدها فرزندش در تدوین، تکمیل و چاپ اعیان الشیعه متحمل شده‌اند، همچنان اشکالاتی از نظر محتوا، قالب و شکل دیده می‌شود. که یقیناً دلیل آن سهل انگاری و مسامحه نویسنده نبوده است. دلایل مختلفی را می‌توان برای این اشکالات برشمرد از آن جمله:

۱. تعجیل در ارائه نتایج تحقیق و چاپ مطالب جمع آوری شده؛
۲. گستردگی و وسعت موضوع تحقیق؛
۳. وفات نویسنده در اثنای تألیف و عدم بازنگری مجدد؛





۴. دخالت‌های فرزند نویسنده در اضافه و حذف کردن مطالب به دلیل تکمیل و تنقیح محتوا و یا اختلاف سلاقی و عقاید با نویسنده؛

۵. عدم تصمیم فرزند برای تألیف کتابی مستقل در تکمیل «مستدرکات اعیان» در هنگام چاپ آن.

۶. استقبال فراوان محققان و پژوهشگران شیعه و سنی از این اثر که سبب تعجیل در چاپ آن شد.

تعدد فعالیت‌های تحقیقی - تألیفی ای که سید حسن امین در دست داشته و نیز تدوین موسوعه مستدرکات اعیان الشیعه - در رفع پاره‌ای از نواقص موجود در اعیان - و شاید عنایت ویژه وی بر حذف یا اضافه پاره‌ای مطالب سبب شد تا وی فرصتی را برای بازنگری مجدد اعیان الشیعه تخصیص، و اقدامی برای تنقیح و تصحیح آن انجام ندهد. از سوی دیگر با توجه به گستردگی و حجم زیاد این اثر، تاکنون کسی به این امر مبادرت نورزیده و چابی تصحیح شده و با تحقیق کافی و تخریح منابع و مآخذ از آن ارائه نداده است. تنها برخی از آثار و مقالات در بیان پاره‌ای از نواقص و اشکالات اعیان به چاپ رسیده‌اند که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. کتاب مع موسوعات رجال الشیعه، نوشته علامه سید عبدالله شرف الدین در سه جلد که در جلد دوم و سوم به اشتباهات و اغلاط موجود در اعیان الشیعه پرداخته است<sup>۱۵</sup>.

۲. مقاله ملاحظات سریعه علی کتاب اعیان الشیعه، نوشته علامه شیخ محمد علی یعقوبی که در مجله «آفاق نجفیه» شماره ۶ (۲۰۰۷ م / ۱۴۲۸ م) به چاپ رسیده است. نویسنده در ۳۴ صفحه به ۷۰ مورد اشتباه در اعیان اشاره نموده است که اکثر این اشکالات سهویات ادبی می‌باشد.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علوم اسلامی

### معیارهای بررسی اعیان

عدم مبادرت به تصحیح به معنای عدم توجه به اشکالات موجود در اعیان و چاپ‌های موجود نیست، بلکه بسیاری از علما و شخصیت‌ها ضمن ارج نهادن به موسوعه بزرگ اعیان الشیعه و زحمات نویسنده و فرزندش به وجود اشکالات متعدد در آن اشاره نموده‌اند. در اینجا مناسب می‌بینم عبارتی که مرحوم علامه تهرانی در کتاب امام شناسی در ذیل بحث «جفر» آورده است را عیناً نقل نمایم.

وی ابتدا گفتاری از علامه سید محسن امین درباره «جفر» را ذکر نموده و سپس ردیه‌ای را که علامه امین بر رافعی و اتهامات وی بیان نموده است به فارسی ترجمه کرده و آورده است. بعد از آن در ذیل عنوان «تحریف سید حسن امین در کتاب اعیان الشیعه پدرش» چنین می‌گوید:

تمام مطالبی را که ما از اول صفحه ۲۳۹ تا اینجا ذکر کردیم، مطالب مرحوم آیه الله سید محسن امین عاملی بود که در «اعیان الشیعه» ج اول... از طبع دوم سنه ۱۳۶۳ هجری قمری مطبعه دمشق ابن زیدون، ذکر فرموده است. و این طبع در زمان حیات ایشان و اشرف و مباشرت خود آن عالم جلیل بوده است.



۱۵. این کتاب به همت مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه و با اضافات مؤلف در حال تجدید چاپ است.

ولی در طبع چهارم که در سنه ۱۳۸۰ و مطبوعه انصاف بیروت و به تصدی فرزند ایشان: سید حسن امین پس از رحلت ایشان صورت گرفت، و به قدری دست تحریف در آن قوی بوده است که در بدو امر تصور نمی‌شود.

اولاً آقای سید حسن در بدو مطلب... عبارت محقق شریف را در شرح موافق..... به کلی ساقط کرده است؛ با آنکه کلام محقق شریف در اینجا بسیار مهم و از جهت استناد دارای ارزشی کامل است.

ثانیاً تمام روایات وارده را که از بصائر الدرجات استشهاد بر مطلب نموده‌اند..... اسقاط و حذف نموده است.

ثالثاً عبارت او را..... تا قریب نیم صفحه حذف نموده است.

رابعاً عبارت «کشف الظنون» و عبارت «مقدمه» ابن خلدون را که سه صفحه تمام از کتاب را استیعاب کرده است و همه اش تصدیق به علوم غیبیه و مکاشفات الهیه برای ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین است و برای استناد شیعه ورد کلام عامه و اهل سنت، دلیل قوی و استوار بشمار می‌رود، همه را به طور کلی اسقاط کرده است. خامساً عبارت مصطفی صادق رافعی مصری را که در کتاب اعجاز القرآن به شیعه جسارت‌ها نموده و تفاسیر آنان را از روی جفر قلمداد، و از حضرت سبط نبی اکرم امام حسن مجتبی ع با عبارت استخفاف و توهین آمیز یاد نموده است، و مرحوم پدر آیه الله سید محسن امین پس از ذکر آن به دفع پرداخته‌اند و در قریب به سه صفحه، وی را مفتضح و رسوا کرده‌اند..... همگی را حذف کرده است.

و به طور خلاصه مطالب مرحوم پدر را که دوازده صفحه تمام را شامل شده است، فقط در یک صفحه و چند سطر مثله نموده است.

و برای این عمل جز خیانت به حق و حقیقت، و دستبرد و تحریف در عبارت پدر، و تنقیص تشیع و جانبداری از فرقه مخالف، چه محملی می‌توان تصور نمود؟!۱

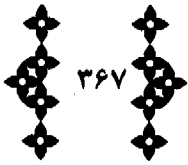
ایشان نه تنها در این مورد، بلکه در تمام مباحث مرحوم سید محسن در تمام مجلدات «اعیان الشیعه» این تزویر را به کار برده‌اند، و مطالب نفیس را که سنگر تشیع را حفظ می‌کند، و دفاع از حملات مخالفین است حذف نموده‌اند؛ و حتی در بعضی از عبارات تبدیل و تغییر به عمل آورده‌اند که جز تحریف و تصحیف صریح محملی ندارد.

از همه اینها عجیب‌تر، و فجیع‌تر، و فظیح‌تر، تجزی بر اسقاط امام زمان علیه السلام است، که به طور صریح و واضح بحث امام زمان را از «اعیان الشیعه» مرحوم سید محسن به کلی حذف کرده‌اند و امامان شیعه را یازده تن شمرده‌اند و باب امامت را در کلام پدر به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ختم کرده‌اند.

مرحوم مؤلف «اعیان الشیعه»: سید محسن امین جلد چهارم از آن را به دو قسمت نموده‌اند: قسمت اول در سیره حضرت امام حسن، و امام حسین، و حضرت امام زین العابدین و حضرت باقر العلوم و حضرت صادق علیهم السلام. قسمت دوم در سیره حضرت امام







موسی کاظم و باقی ائمه طاهرين سلام الله عليهم اجمعين تا حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه می باشد.

قسمت دوم از صفحه اول تا صفحه ۳۲۵ در سیره حضرت موسی بن جعفر تا حضرت عسکری علیه السلام می باشد و از صفحه ۳۲۶ را تا آخر کتاب که صفحه ۵۴۰ از طبع اول سنه ۱۳۵۶ مطبوعه ابن زیدون دمشق می باشد استیعاب نموده است. و این کتاب با این خصوصیات در زمان حیات مرحوم مؤلف امین طبع و منتشر گردیده است. اما پس از فوت ایشان پسرانشان: سید حسن امین که به طبع مجدد کتب پرداخته است، بحث از امام زمان را به کلی اسقاط نموده و به سیره امام حسن عسکری علیه السلام کتاب را خاتمه داده است.

و چون در قسمت دوم از جلد چهارم می باید دو بیست و یازده (۲۱۵) صفحه ساقط شود، و کتاب کم حجم و نازک به نظر می رسد، ایشان مقداری از قسمت اول جلد چهارم را در قسمت دوم آورده اند تا مقدار اسقاط شده چشمگیر نباشد.

و بنابراین در طبع سوم که بعد از رحلت مصنف کتاب انجام داده اند، قسمت اول از جلد چهارم را اختصاص به سیره امام حسن و امام حسین و امام زین العابدین داده اند و قسمت دوم را از حضرت باقر تا حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ذکر کرده اند.

ولهذا می بینیم: در طبع سوم که در سنه ۱۳۸۰ در مطبوعه انصاف بیروت صورت گرفته است در الجزء الرابع القسم الثاني... در احوالات حضرت عسکری خاتمه یافته است و... داستان سرقه مشهد عسکرتین علیه السلام که پایان کتاب است آورده شده است.

این خیانتی بزرگ و گناهی نابخشودنی است که کسی دست در کتاب عالم جلیلی ببرد، و به نام او و به املاء او کتاب او را طبع کند، آنگاه چون خودش امام زمان را قبول ندارد آن را نسبت به پدر عالم شیعه زحمت کشیده زنج برده از دنیا رفته غیر قادر بر تکلم بدهد، و از لسان او و قلم او امامت را به حضرت عسکری ختم کند و آن عالم را در دنیا به یازده امامی معزفی کند.

می دانید: مسأله چقدر ذی اهمیت است؟! به عقیده حقیر جرم و جنایتی از آن بالاتر نیست.<sup>۶</sup>

ملاك قضاوت و داوری در مورد يك كتاب به ویژه كتاب اعيان الشيعه بايد بر اساس موارد ذيل صورت پذيرد:

۱. روش و شیوه تحقیق و معیارهای اصولی که مؤلف در اثر خود مد نظر داشته است. چنانچه پیش از این بیان شد، سید محسن امین در مقدمه اول کتاب خود به این روش اشاره نموده و ۱۴ ملاک را در تحقیق و تألیف کتاب مد نظر داشته است. یکی از ملاکهای قضاوت ما باید همین ۱۴ روش باشد.
۲. اصول و معیارهای تحقیق و پژوهش؛ همان شیوه های عمومی و کلی که در هر تحقیق باید به آنها پایبند بود و آنها را رعایت کرد.
۳. قوانین و قواعد نگارشی؛ مانند: ویرایش، تایپ و صفحه بندی.



۱۶. امام شناسی، ج ۱۴، ص ۲۴۸ تا ۲۶۱. ذکر عبارات مرحوم علامه نهضتی به معنی عدم پاسداشت زحمات سید محسن امین نیست بلکه مقصود اهتمام علمای شیعه به اعیان الشیعه و تنقیح و تصحیح آن است. از آنجا که مطالب بیان شده شامل فولادی است و از جمله اطلاعات خوبی در مورد چاپ های اعیان به دست می دهد و نیز برای حفظ امانت، عبارت کتاب امام شناسی فقط باندکی تلخیص آورده ایم.

با توجه به نکات فوق الذکر، نواقص موجود در اعیان الشیعه را در سه زمینه تدوین، تحقیق و چاپ می‌توان به چند دسته تقسیم نمود که در ذیل به آنها اشاره خواهیم کرد.

### نواقص و اشکالات اعیان الشیعه:

۱. گستردگی موضوع تحقیق و عدم جامعیت آن؛
۲. ذکر رجال غیر شیعی؛
۳. نواقص چاپ ده جلدی؛
۴. ذکر حواشی و تعلیقات در ضمن متن؛
۵. ذکر مستدرکات در ضمن متن؛
۶. عدم اصلاح ارجاعات؛
۷. اشتباهات تایپی؛
۸. تکراری بودن مدخلها؛
۹. عدم دقت در نقل قولها؛
۱۰. نداشتن ترتیب دقیق الفبائی؛
۱۱. تغییر اطلاعات و به روز نبودن؛
۱۲. ناقص بودن اطلاعات؛
۱۳. عدم انسجام محتوا؛
۱۴. عدم تخریج مصادر و مستند سازی متن؛
۱۵. خلط برخی مدخلها و شخصیتها؛
۱۶. ثبت اطلاعات اشتباه؛
۱۷. عدم ذکر اطلاعات کامل توسط علامه امین؛
۱۸. وجود اطلاعات مغایر؛
۱۹. دقیق و مشخص نبودن صدور ذیل نقل قولها؛
۲۰. عدم ضبط دقیق اعلام؛
۲۱. عدم اعراب گذاری در اشعار و موارد لازم؛
۲۲. ترجمه متون فارسی؛
۲۳. ذکر اضافات توسط سید حسن امین بدون مشخص کردن موارد اضافی؛
۲۴. حذف برخی اطلاعات توسط سید حسن امین بدون ذکر موارد حذفی؛
۲۵. عدم شمارش دقیق مدخلها؛
۲۶. ذکر رجال غیر صالح شیعی؛
۲۷. عدم توازن در ارائه اطلاعات؛
۲۸. عدم ضبط دقیق آیات.

برای پرهیز از تطویل کلام، فقط در مورد برخی از این عناوین، توضیحاتی عرضه می‌شود:

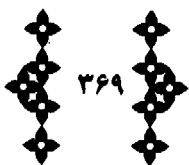
#### ۱. گستردگی موضوع و عدم جامعیت آن

سید محسن امین، موضوع اعیان را رجال شیعه، بدون هیچ محدودیتی در نظر گرفته است که شامل کلیه رجال و مشاهیر شیعه از عالمان و دانشمندان تا پادشاهان و وزیران می‌شود.

گستردگی موضوع، نیازمند تتبع و تحقیق در مورد جمعی از مترجمان و شرح حال ایشان است تا همه شخصیتها گردآوری شوند.

از آنجا که مؤلف به تنهایی دست به انجام چنین کاری عظیم زده و در اثنای آن نیز عمرش به پایان رسیده است، فرصت کافی برای جمع آوری همه مدخلها نداشته، از این رو نام بسیاری از





شخصیتها و حتی مشاهیر شیعه در کتاب نیامده است.

همین نقصان سبب شد تا سید حسن امین برخی از مدخل‌ها را خود به متن اعیان اضافه کند و بعدها به طور مستقل کتاب مستدرکات اعیان الشیعه را به چاپ رساند. که این کتاب نیز به دلیل فوت مؤلف ناقص ماند.

## ۲. ذکر رجال غیر شیعی

شیوه مؤلف در اعیان ذکر رجال شیعه بود و از این رو کتابش را اعیان الشیعه نامیده است و بنابر آن بوده که شخصیت‌های غیر شیعه دوازده امامی در کتاب ذکر نشوند چنان‌که خود در بند اول از مقدمه اول کتاب به آن تصریح نموده است؛ ولی با مروری گذرا بر کتاب می‌توان افرادی را یافت که به یقین و یا به احتمال قوی غیر شیعه دوازده امامی، بلکه سنی هستند. در برخی از این موارد به سنی بودن آنها اشاره شده ولی دلیلی برای ذکر نیامده است مانند: ابونعیم صاحب حلیه الاولیاء که درباره اومی نویسد: «هو من علماء اهل السنة» (۴/۶)

در پاره‌ای از موارد به سنی بودن آن اشاره نموده و دلیل ذکر آن را نیز بیان کرده است مانند: ابوصالح احمد بن عبدالملک المؤذن: «فی المعالم: عامی، له کتاب الأربعین فی فضائل الزهراء (۵۱). فهو لیس من شرط کتابنا و ذکرناه لذكر بعض اصحابنا له فی کتب الرجال لثلایفوتنا شیء مما ذکره». (۱۸/۳)

در بعضی موارد نیز علمای سنی را ذکر کرده و هیچ اشاره‌ای به سنی بودن آنها ننموده است مانند: خواجه نظام الملک الطوسی (۱۶۵/۵)، یحیی بن سعید القطان (۲۹۵/۱۰) و الحجاب بن یزید (۳۸۳/۴).

## ۳. نواقص چاپ ده جلدی

چاپ ده جلدی که به عنوان چاپ تنقیح شده در دست ماست، تفاوت‌های بسیاری با چاپ قبلی دارد و ناشر محترم بسیاری از نکات را بر اساس استنباط شخصی و ذوق و سلیقه خود حذف نموده است. این اشکال در چاپ‌های قبلی نیز مشاهده می‌شود یعنی در جلد‌هایی که در زمان حیات نویسنده به چاپ رسیده است، نکاتی وجود دارد که در چاپ بعدی که بعد از وفات وی بوده حذف شده است و باز در همین چاپ نیز مطالبی وجود دارد که در چاپ ده جلدی موجود نیست.

مقایسه مبحث زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت مهدی علیه السلام در چاپ‌های گوناگون، تفاوت‌های فراوان بین چاپ‌ها را به وضوح نشان می‌دهد. در شرح حال شخصیت‌ها نیز شاهد موارد محذوف فراوانی هستیم؛ به عنوان نمونه در شرح حال ابراهیم بن یحیی الطیبی (چاپ جدید: ۲/۲۳۷ تا ۲۴۸ و چاپ قدیم: ۵/۵۱۴ تا ۶۹۵) در برخی قسمت‌ها از یک سطر تا ۳۳ صفحه از مطالب حذف



شده است. در مورد اسماعیل بن علی النوبختی (چاپ جدید: ۲/ ۳۸۳ تا ۳۸۸ چاپ قدیم، ۱۲/ ۳۳ تا ۶۱) از ۲ تا حدود ۳ صفحه حذف شده است. در شرح احوال علی الجبلی هم بیش از ۲۵ صفحه از مطالب چاپ قدیم در چاپ ده جلدی نیامده است.

شرح حال امام مهدی علیه السلام در چاپ اول و دوم که در زمان حیات مؤلف به طبع رسیده، وجود دارد ولی در چاپ بعد از وفات مؤلف، توسط فرزندش حذف گردیده است. سپس به دلیل فشارهای وارده توسط خوانندگان، سید حسن مجبور شده است در چاپ بعدی زندگی نامه امام زمان علیه السلام را با حذف کردن بسیاری از مطالب، بیاورد.

### ۵. ذکر حواشی و تعلیقات در ضمن متن

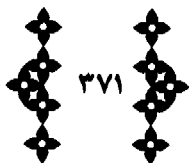
مؤلف، اعیان را به مرور چاپ می نمود و در معرض قضاوت صاحب نظران قرار می داد. از این رونقدها و حواشی فراوانی به دست می آمد که آنها را در ابتدا یا انتهای جلد های بعدی چاپ می نمود. این رویه بعد از وفات او هم ادامه داشت.

در چاپ های بعدی برخی از این حواشی اعمال می شد و اشکالاتی که به محتوای جلد های قبل وارد بود اصلاح و در مواردی نیز دوباره متن نقد ذکر می گردید. حق مطلب این بود که سید حسن امین در چاپ ده جلدی کلیه این حواشی را در صورتی که درست می دانست اعمال می کرد و برای حفظ امانت و سپاس از ناقدین متن، آنها را در یک جلد مجزا و یا در قسمتی جداگانه ذکر می کرد و اگر آنها را قبول نداشت ذکر نمی نمود و یا با ذکر ادله آنها را رد می کرد و یا دست کم تصریح به عدم وارد بودن این حواشی می نمود. و یا هیچ یک از نقدها را در متن اعمال نمی کرد و فقط متن نقد را به صورت جداگانه با ارجاع به متن و یا در پارو قی ها می آورد.

ولی در چاپ ده جلدی، برخی از حواشی و نقدها، بدون ذکر ناقد، اعمال شده اند و برخی از نقدها و اشکالات بیان شده، در ضمن شرح حالها آمده است؛ به عنوان نمونه بعد از شرح حال ابراهیم بن یزید الاشعری می نویسد: «تعلیقات علی هذا الجزء للسید شهاب الدین الحسینی المرعشی التبریزی المعروف بأقانجفی نزیل قم المبارکة مایلی» (۲/ ۲۵۰). نیز بعد از شرح حال سید احمد تستری می نویسد: «نقد الجزء السادس من اعیان الشیعه للسید شهاب الدین الحسینی النجفی» (۳/ ۱۲۷).

همین مسأله در مورد تقریظاتی که بر کتاب وارد می شده نیز وجود دارد. در ابتدا و انتهای چاپ قدیم تقریظات دانشمندان مختلف چاپ شده که برخی از اینها در چاپ جدید در میان شرح حالها آمده است، هر چند بسیاری از آنها را سید حسن در جلد دهم که اختصاص به شرح حال نویسنده دارد، گنجانده است، به عنوان نمونه بعد از شرح حال امیر خلیل الحرفوشی ذیل عنوان





«هذا الكتاب»، تقریظ شیخ سلیمان ظاهری عاملی را آورده است (۱۸۷/۷). و یا در جلد ۶، ص ۱۱۰ قصیده‌ای از سلیمان ظاهر در مدح اعیان الشیعه آمده است.

#### ۶. عدم اصلاح ارجاعات

نویسنده در صفحات مختلف از اعیان الشیعه، خواننده را به اطلاعات قبلی و یا بعدی ارجاع داده است. این ارجاعات بر اساس چاپ قدیم (۵۵ جلدی) است، چون این چاپ از زمان حیات مؤلف موجود بوده است. در اعیان ده جلدی که توسط سید حسن امین به طبع رسیده این ارجاعات بر اساس ده جلد اصلاح نشده و همچنان بر اساس همان چاپ قدیم می‌باشد که خواننده را سردرگم می‌کند و امکان استفاده از این ارجاعات برایش فراهم نیست. مانند موارد ذیل:

۲ / ۳۷۸: مرفی ج ۷

۳ / ۱۶: مرفی ج ۷

۴ / ۸۰: مرفی ترجمه ج ۱۴

۱ / ۸۸: یاتی فی سیرته فی الجزء الثالث

۲ / ۳۴۰: یاتی فی ج ۱ و فی ج ۱۳

۳ / ۴۶۶: یاتی فی ج ۱۴ و فی ج ۱۶

۳ / ۳۷۰: مرفی ج ۶



#### ۷. اشتباهات تایپی

غلط چاپی در اکثر کتابها یافت می‌شود، اما چاپ ده جلدی اعیان اغلاط و اشتباهات تایپی فراوانی دارد که به دلیل عدم دقت رخ داده‌اند. کثرت اشتباهات از اشکالات مهم این کتاب به شمار می‌آید. تعداد بالای این اشتباهات تا حدی است که قابل چشم پوشی نیست. به عنوان نمونه مرکز تحقیقات کامپیوتری نوردرنم افزار تراجم که متن اعیان الشیعه را آورده، بیش از ده هزار غلط در چاپ ده جلدی استخراج کرده است. اهمیت این نکته وقتی هویدا و روشن می‌گردد که توجه داشته باشیم مرکز تحقیقات در مقام تحقیق و تصحیح اعیان نبوده است و به طور تصادفی به این میزان اغلاط برخورده است.

#### ۸. تکراری بودن مدخلها

در کتاب اعیان الشیعه، در موارد بسیاری با مدخل‌های مشترك مواجهیم که نویسنده به صورت تکراری آنها را در جاهای مختلف ذکر نموده است. این تکرارها به چند صورت است؛ در برخی موارد، نویسنده در ذیل هر يك از مدخلها توضیحات مفصلی آورده و خود به تکراری بودن آن اذعان دارد، مانند: بشرین میمون الواشبی النبال کوفی (۳ / ۵۷۸) و بشرین میمون الواشبی



النبال الكوفي (۲ / ۵۸۶) وبشير النبال (۲ / ۵۸۶).

در مواردی نیز تکرار، برای ارجاع به مدخل دیگر است، مانند: الاسود بن ربیعة الحنظلی که در ذیل آن چنین آورده: «یأتی بعنوان الاسود بن عیسی بن اسماء» (۳ / ۴۴۱).

در پاره‌ای از موارد نویسنده به تکراری بودن مدخلها واقف نبوده و از آن غفلت نموده است. فرزند وی نیز در چاپهای بعدی، گاهی متوجه این اشتباهات نشده است مانند: ابراهیم بن هشام بن یحیی غسانی دمشقی (۲ / ۲۲۶)، ابراهیم بن هشام بن یحیی (۲ / ۲۵۴)، ابراهیم بن هشام بن یحیی بن یحیی الغسانی الدمشقی (۲ / ۲۳۶) و ابراهیم بن هشام بن یحیی ابن یحیی الغسانی (۲ / ۲۵۵) که همه اینها یک نفر است و یا الشیخ حسین بن ابراهیم الجیلانی التتکابنی (۲ / ۴۱۲)، با الشیخ حسین التتکابنی الحکیم، (۵ / ۴۶۳) تکراری است.

در مواردی نیز در چاپ قدیم تکراری بوده، ولی در چاپ جدید سید حسن امین آنها را حذف نموده است، ولی هیچ اشاره‌ای به این تصرف در متن نکرده است مانند: ابراهیم الغروی النجفی (چاپ قدیم ۳۷۶/۵ و ۴۵۶/۵).

#### ۹. عدم دقت در نقل قولها

در برخی از نقل قول‌های موجود اعیان، محدوده کلام نقل شده، مشخص نیست و خواننده مجبور به مراجعه به منبع اصلی است، علاوه بر آن گاه اشتباهات فاحشی در نقل قول‌ها وجود دارد. به عنوان نمونه در ذیل شرح حال ثبیت بن محمد (۴ / ۲۱) می‌نویسد:

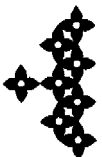
«قال النجاشی: متکلم حاذق من اصحاب العسکریین علیهما السلام و...» یعنی وی از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام می‌باشد. و حال آنچه در کتاب نجاشی آمده چنین است: «متکلم حاذق من اصحابنا العسکریین و...»<sup>۱۷</sup> یعنی او از شیعیان شهر عسکریین «سامرا» هستند.

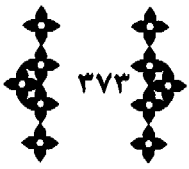
۱۷. رجال النجاشی، ص ۱۱۷.

کلمه «علیهما السلام» که بعد از عسکریین آمده نشان می‌دهد این عبارت خطای مطبعی نیست، بلکه اشتباه در نقل قول است.

#### ۱۰. نداشتن ترتیب دقیق الفبائی

در مقدمه کتاب اعیان، در ذیل روش کار نویسنده چنین آمده: «تذکر الاسماء مرتبه علی حروف المعجم بحسب الحروف الأول والثانی وما بعده وبحسب أسماء الاباء والاجداد والألقاب والاصواف فآدم بن اسحاق بن مقدم علی آدم بن الحسین و ابان بن ارقم الطائی مقدم علی أبان بن ارقم العنزی وهكذا» یعنی: نام‌ها را به ترتیب حروف الفباء، مطابق حرف اول و دوم و حروف بعد از آن و بر طبق





اسامی پدران و نیاکان و القاب و اوصاف ذکر می‌کنیم بنابراین آدم بن اسحاق را قبل از آدم بن الحسین و ابان بن ارقم طائی را قبل از ابان بن ارقم العنزی می‌آوریم و به همین ترتیب سایر موارد.

با این وجود در بسیاری از موارد، این نکته رعایت نشده است و بهم ریختگی فراوانی مشاهده می‌شود.

متأسفانه در چاپ ده جلدی نیز با وجود اینکه تدوین اعیان و مدخل یابی آن پایان یافته بود و باید مدخلها به ترتیب آورده می‌شد، این اشکال دیده می‌شود، مثلاً: علی الشرقی (۷ / ۱۷۹) مقدم بر الشیخ علی بن جعفر (۷ / ۱۸۱) شده. یا علی بن غیاث الدین (۷ / ۲۶۳) مقدم است بر علی بن عبدالعزیز (۷ / ۲۶۳) و یا در میان افرادی که نام آنها با حرف «خ» آغاز می‌شود، الدابقی والداری آمده است (۶ / ۳۲۶).

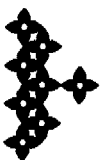
#### ۱۱. ذکر مستدرکات در ضمن متن

از آنجا که مؤلف همزمان با نوشتن اعیان اقدام به چاپ آن نموده، طبیعی است که برخی مدخلها و اطلاعات را به مرور زمان بدست آورده است و برای اینکه اطلاعات جمع آوری شده، هرچه سریعتر به چاپ برسد، مستدرکات را در ابتدا یا انتها و بعضاً در بین مجلدات بعدی به چاپ رسانده است.

فرزندش، سید حسن نیز همین شیوه را ادامه داده است؛ به عنوان نمونه: ج ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ از چاپ قدیم، به طور کامل به مستدرکات اختصاص یافته و یا ج ۷ / ۳۰۴ تا ۳۱۱ و ۳۳۴ تا ۳۴۱ و ۴۸۸ تا ۴۹۳ مستدرکات است. متأسفانه این شیوه در چاپ ده جلدی نیز دیده می‌شود؛ یعنی در برخی جلدها در میانه کتاب، سید حسن مدخلهایی را به عنوان استدرکات آورده است؛ مانند: استدرک علی مابدأ بأب (۲ / ۴۵۱)؛ استدرک لمن اسمه احمد (۳ / ۱۲۶). در حالی که باید مدخلها را در جای خود و بر اساس حروف الفبا ذکر کند.

#### ۱۲. به روز نبودن و تغییر اطلاعات

با گذشت زمان پاره‌ای از اطلاعات تغییر می‌کنند و نیازمند نوشتن و به روزرسانی دارند. در اعیان نیز برخی از اطلاعات بر اساس زمان نویسنده ارائه شده‌اند که ضروری است در پی نوشتها و تعلیقه‌ها به تغییر اطلاعات اشاره شود، مثلاً علامه امین بسیاری از کتابها را مخطوط و غیر چاپی معرفی می‌کند که هم اکنون به طبع رسیده‌اند و یا مثلاً در مورد الذریعه آقا بزرگ طهرانی می‌نویسد: «صنف معاصرنا الشیخ آقا بزرگ الطهرانی کتاباً سَمَّاه الذریعة الی تصانیف الشیعة فی ست مجلدات» (عالم معاصر ما جناب شیخ آقا بزرگ تهرانی کتابی به نام الذریعة الی تصانیف الشیعة در ۶ جلد تألیف نموده است) در حالی که این شش مجلد، اشاره به طرح اولیه کتاب ذریعه است و هم اکنون الذریعه در ۲۶ جلد به چاپ رسیده است و باید در پانویشتها به این





نکته اشاره گردد.

### ۱۳. ناقص بودن اطلاعات

با توجه به گستردگی کار در اعیان و کمی فرصت و نیز تنها بودن علامه امین در تدوین آن، اطلاعاتی که در مورد برخی شخصیتها نقل شده ناقص اند؛ به عنوان مثال، سید در شرح حال ابوجحیفه تنها به این نکته بسنده می‌کند که: «فی الخلاصة بضم الحیم اسم هب بن عبد الله السوائی بالمهمله» (۲/ ۳۱۱) و حال آنکه با مروری گذرا در کتب مختلف رجالی و حدیثی اطلاعات بسیاری را در مورد وی می‌توان یافت. (رک: قاموس الرجال: ۲۵۰/۱۱)

### ۱۴. عدم انسجام محتوا

یکی از مشکلات چاپ جدید اعیان، عدم انسجام و یک دست نبودن آن است. بهتر بود سید حسن یکی از دوشیوه را در چاپ کتاب برمی‌گزید، یا هر آنچه در هر جلد از چاپ قدیم بود، مانند تقریظ‌ها، مقدمه و خاتمه کتاب را در چاپ جدید می‌آورد و جلد بعدی را در ادامه به همان شکل قدیم ذکر می‌کرد، و یا تقریظ‌ها، مقدمه، خاتمه، هوامش و غیره را حذف و مدخل‌ها را به صورت مسلسل ذکر می‌نمود و آنچه لازم بود در جای خود بیان می‌شد، مثلاً تقریظ‌ها را در جلدی جداگانه، هوامش و تنبیهات و مستدرکات را در ذیل مدخلها می‌آورد.

ولی در چاپ جدید اعیان، این نکته لحاظ نشده است و انسجام خاصی دیده نمی‌شود. مثلاً در برخی موارد سید حسن مقدمه جلد‌های قدیمی را در وسط مدخل‌ها آورده و در مواردی نیز این کار را نکرده است و مقدمه را حذف کرده. در مورد مستدرکات، تقریظ و هوامش نیز قبلاً متذکر شدیم که عملکرد واحدی ندارد. در ذیل، به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم.

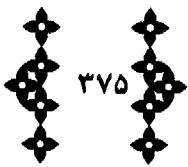
۲/ ۸۵ که از ابتدای جلد ۵ چاپ قدیم می‌باشد، بسم الله و خطبه موجود در چاپ قدیم را ذکر نموده است.

۲/ ۲۵۱ که انتهای جلد ۵ چاپ قدیم می‌باشد، خاتمه کتاب که در چاپ قدیم آمده، موجود نیست و در ادامه با «بسم الله الرحمن الرحیم» جمله بعدی شروع می‌شود، ولی در همان جلد ص ۳۷۴ که برابر با انتهای جلد ۶ می‌باشد خاتمه آمده است.

این رویه چند گونه در بقیه جلد‌ها نیز مشاهده می‌شود. ج ۶، ص ۱۱۰ که برابر با انتهای جلد ۲۶ چاپ قدیم است، خاتمه کتاب و یک تقریظ از دو تقریظ موجود در چاپ قدیم آمده است، سپس ابتدای جلد ۲۷ شروع شده و بدون اینکه «بسم الله الرحمن الرحیم» ذکر شود، خطبه آورده شده است.

این عدم انسجام تا جلد ۳۶ ادامه دارد، اما از جلد ۳۷ که بعد از وفات نویسنده و توسط فرزندش به چاپ رسیده، مقدمه‌ها و خاتمه‌ها در چاپ جدید نیامده‌اند.





### ۱۵. عدم تخریح مصادر و مستند سازی متن

یکی از کارهای ارزشمندی که سید امین در مقدمه سوم کتاب (۱/ ۲۰۹ - ۲۱۸) انجام داده، ذکر منابع و مآخذی است که در اعیان از آنها استفاده شده است. وی در این مقدمه ۳۹۳ منبع را با ذکر مشخصات اجمالی آنها ذکر نموده است. هر چند که این منابع ناقص اند و اسامی برخی از کتابهایی که از آنها استفاده نموده در این مقدمه نیآورده است، مانند: کتاب ایضاح الاشتباه (۲/ ۹۳ و ۲۳۱، ج ۳/ ۱۳۵ و ۲۵۶ و...)؛ اتقان المقال (ج ۱/ ۱۵۳، ۳۷۱/۸)؛ تهذیب الکمال (۲/ ۸۸، ۳۱۰/۲، ۶۱۲ و ۵۴۱/۴ و...)؛ اما اشکال دیگر چاپ جدید اعیان، عدم تخریح و مستند سازی است. نویسنده و محقق آن جز در موارد انگشت شمار، مآخذ مطالب را در پاورقی ذکر نکرده، و به تخریح مصادر نپرداخته اند. حق آن بود که نام کتاب، شماره صفحه و جلد آن در پاورقی یا متن ذکر می شد.

### ۱۶. خلط برخی مدخلها و شخصیتها

گاه در اعیان الشیعه شرح حال برخی شخصیتها با هم خلط شده است، که با مراجعه به کتب رجالی و شرح حال نگاری این تداخل به روشنی مشاهده می شود، به عنوان نمونه: درج ۴، ص ۲، به نقل از نجاشی شرح حال «ثبیت بن محمد ابو محمد العسکری صاحب ابي عیسی الوراق» آمده است. در اواسط شرح حال چنین می نویسد: «ثبیت ممن کان یروی عن ابي عبدالله علیه السلام و... بدون شك «ثبیت» در اینجا بغیر از «ثبیت بن محمد ابو محمد العسکری» است. خود نجاشی نیز که عبارت از او نقل شده «ثبیت بن محمد» را ذیل مدخل شماره ۳۰۰ و «ثبیت» را با شماره ۳۰۱ ذکر نموده است. در معجم رجال الحدیث، «ثبیت» با شماره (۱۹۸۷) (۴ / ۳۰۸) و «ثبیت بن محمد» با شماره (۱۹۸۸) (۴ / ۳۰۹) آمده است.

### ۱۷. ثبت اطلاعات اشتباه

پاره ای از اطلاعات ارائه شده در اعیان در مورد شخصیتها و یا اسامی افراد، اشتباه است. برخی از این اشتباهات در چاپهای قبلی کتاب بوده که با تذکر مؤلف و یا فرزندش و یا حواشی و نقدهایی که دیگران نوشته اند، اصلاح گردیده است، ولی در چاپ جدید نیز اشتباهات محتوایی دیده می شود که نیازمند تحقیق و تصحیح است، به عنوان مثال تاریخ وفات سید احمد بن آقا محسن سلطان آبادی (۳/ ۷۱) را سال ۱۳۲۵ ذکر می کند، در حالی که این تاریخ، مربوط به مرگ پدر اوست و تاریخ رحلت سید احمد ۱۳۵۷ می باشد. (تربت پاکان: ۱/ ۳۷۳)

### ۱۸. عدم ذکر اطلاعات کامل توسط علامه امین

سید محسن یا ثبت کامل برخی اطلاعات را فراموش کرده و یا هنگام چاپ آنها را به دست نیآورده است، مثلاً در شرح حال الحاج جابر خان الکعبی در (۴ / ۴۹) تاریخ وفات وی را خالی گذاشته و می نویسد: «توفی سنه... المحمره» این نقطه چین به جای ذکر مطلب در جاهای مختلف اعیان



به چشم می‌خورد مانند سه مورد در (۲/۳۹۴)، (۲/۴۳۸)، (۲/۴۹۴)، (ج ۳/۳۵۸).

### ۱۹. وجود اطلاعات مغایر

اطلاعات موجود در اعیان در برخی موارد با هم مغایرت دارد و یک مطلب در جاهای مختلف به صورت‌های متفاوتی بیان شده است. به عنوان مثال: در (۲/۱۶۰) دو بیت شعر «ولیله باتت براغیثها...» را به شیخ ابراهیم صادق نسبت می‌دهد و در (۸/۱۵۰) همین اشعار را به سید علی علوی بن اسماعیل بحرانی از شعرای قرن ۱۱ منسوب می‌کند.

تاریخ وفات الشیخ محمد هادی النحری در (۱۰/۸۲)، ۱۲۰۷ ذکر می‌شود در حالی که در (۱۰/۲۳۰) تاریخ وفات او ۱۲۳۵ بیان می‌شود.

### خاتمه

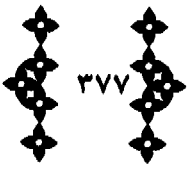
مؤسسه کتابشناسی شیعه در راستای اهداف و مأموریت‌های خود و با عنایت به نواقص و مشکلات اعیان که به صورت کلی در این نوشته به آنها اشاره شد، و با توجه به تأکیدات برخی از بزرگان بر آن شد تا تحقیق و تنقیح این اثر ارزشمند را وجهه همت خود قرار دهد.

از این رو، از سال ۱۳۸۸ به این مهم مشغول شدیم. امیدواریم با عنایات الهی و با سعی و تلاش همکاران مؤسسه کتابشناسی شیعه بتوانیم این مؤسسه عظیم را با تحقیقی جدید و چاپی وزین و شایسته به جامعه تشیع و پژوهشگران تقدیم و اندکی از حق علامه سید محسن امین برخوردارا کنیم. و به این مهم چشم انتظار نظرات و راهنمایی و همراهی صاحب‌نظران هستیم.

این مقاله را با نقل خاطره‌ای از مرحوم سید حسن امین به پایان می‌برم. ایشان در مصاحبه‌ای با مجله حوزه (ش ۲۷ / ص ۱۸۷ گوید):

ده روز قبل از وفات پدرم، بعضی از دوستان ایشان که با او در نوشتن کتاب اعیان الشیعه، همکاری می‌کردند، برای عبادت ایشان به بیمارستان آمدند؛ تا چشم آن مرحوم به آنان افتاد گریه کرد و آنان تصور کردند او به خاطر فراق دنیا گریه می‌نماید و شروع به دل‌داری او نمودند و گفتند شما مردی خدمت گذار به اسلام و مسلمانان بودید و هم اکنون با روی سفید به سوی پروردگار خود می‌روید. پس از رفتن آنان، پدرم از من کاغذ و قلم خواست ولی چون پزشک ایشان را از خواندن و نوشتن منع نموده بود سعی کردم ایشان را منع کنم، لیکن اصرار ایشان مرا وادار نمود که خواسته ایشان را اجابت کنم و کاغذ و قلم در اختیارشان گذاشتم. پس از مدتی برگ را به من پس دادند. دیدم در آن قطعه شعری نوشته شده است که این ابیات آخرین اشعاری است که در حیات خود سروده است. نوشته بود:





بَكَيْتَ وَمَا بَكَيْتَ لِفَقْدِ دُنْيَا  
وَلِكَيْسِي بَكَيْتَ عَلَيَّ كِتَابِ  
سَيِّمِضِي بَعْدَ فَقْدَانِي ضَمِياعاً  
أَسِيفُ لَهْ وَكَانَ لِيذَاكَ حَزْنِي  
وَلِي أَمَلٌ بِفَضْلِ اللَّهِ رَبِّ ال-  
بِأَنْ يُعْطِي الرِّغَائِبَ فَهَوْلَمَا  
أَفَارِقُهَا وَلَا جِلِّي أَلِيفِ  
تُصَبِّقُهُ يَدَائِي إِلَى صُنُوفِ  
كَمَا يَمِضِي شِتَاءَ بِالْخَرِيفِ  
وَلَمْ يَكْمُلْ يَتَهَذِيبُ مُنِيفِ  
-خَلَاتِقِي وَاسِعِ الْكَرَمِ اللَّطِيفِ  
يَزِيلُ مَلْجَائِي فِي الْأَمْرِ الْمَخُوفِ

ایشان به کتاب اعیان الشیعه و ناتمام ماندن آن اشاره کرد که، من به خاطر این کتاب گریه می‌کنم، نه به خاطر رفتن از دنیا.

هنگامی که اشعار را خواندم متأثر شدم و نزد ایشان رفته و به او گفتم: با شما عهد می‌کنم که کتاب شما ضایع نشود و در چاپ آن بکوشم. آنگاه فرمود: اینک به مرگ اعتنایی ندارم و پس از ده روز درگذشت - رضوان الله تعالی علیه. پس از ایشان خود را میان تعلق به دنیا و نعم آن و با ترک آن و اشتغال به کتاب اعیان الشیعه، یافتم. از این رومدت سه ماه سعی در جمع میان آن دو کردم؛ لیکن پس از مدتی عدم تمکن آن برایم ثابت شد؛ از این رو دنیا را با تمام مغریات آن رها کرده و به اعیان الشیعه روی آوردم؛ و اگر این راه را انتخاب نمی‌کردم هرگز اعیان الشیعه چاپ نمی‌شد. نخست اعیان الشیعه چاپ نامناسبی شد؛ لیکن در چاپهای بعدی اصلاحات انجام شده و به صورت آبرومندی درآمد.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

